

چشم‌انداز مدیریت

بازرگانی شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۹۳

صص ۱۳۹ - ۱۲۳

تأثیر رقابت‌پذیری شهری بر رقابت‌پذیری ملی

امیر کارگر سامانی*، اسدالله کرد نائیج**، سید حمید خداداد حسینی***،

سید مسعود موسوی شفیعی****

چکیده

بیش از سه دهه است که رقابت‌پذیری در فضاهای متفاوتی نظیر بنگاه‌ها، شرکت‌ها، شهرها، مناطق و ملت‌ها مطرح شده است و این مفهوم در بررسی علل موفقیت یا ناکامی نهادهای فوق به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار گردیده است. رقابت‌پذیری شهری در سطح حکومت‌های ملی و تعاملات جهانی به یک جزء حیاتی در رقابت‌پذیری اقتصاد ملی تبدیل شده است. در این پژوهش، ۱۰۷ کشور از سرتاسر دنیا با ۴۸۱ شهر به منظور ارزیابی تأثیر رقابت‌پذیری شهری بر رقابت‌پذیری ملی مورد بررسی قرار گرفتند. مطالعه به صورت کتابخانه‌ای بوده و از داده‌های برخی نهادهای معتبر دانشگاهی و بین‌المللی برای این منظور بهره گرفته شده است. گرچه در برخی متون به طور موردی بر رابطه بین رقابت‌پذیری شهری و ملی تأکید شده است، اما در آن‌ها بر رویکردی جامع و فراتر از حدود یک شهر یا کشور یا منطقه‌ای خاص تمرکز نشده است. در این مقاله به صورت کمی نشان داده می‌شود که بین رقابت‌پذیری شهری و ملی ارتباط معناداری وجود دارد. بر مبنای تحلیل ارائه‌شده می‌توان از شاخص رقابت‌پذیری شهری به عنوان یک راهنما برای متناسب‌ساختن سیاست‌های شهری بهره گرفت. این امر می‌تواند در عرصه ملی یک بعد مهم از سیاست اقتصاد کلان و پی‌گرفتن توسعه اقتصادی ملی را تشکیل دهد.

کلیدواژه‌ها: رقابت؛ رقابت‌پذیری شهری؛ رقابت‌پذیری ملی؛ رقابت‌پذیری سرزمینی؛
رقابت‌پذیری جهانی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۳۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۰۹.

* دانشجوی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

** دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

E-mail: naeij@modares.ac.ir

*** استاد، دانشگاه تربیت مدرس.

**** استادیار، دانشگاه تربیت مدرس.

۱. مقدمه

پس از تشکیل حکومت‌های ملی، رقابت بین ملت-دولت‌ها شکل متفاوتی با رقابت‌های قومی، مذهبی و ... سابق یافت. الگوهای اقتصادی حاکم بر موضوع رقابت نیز منجر به ارائه شاخص‌هایی برای سنجش رقابت در عرصه جهانی گردید. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به شاخص رقابت‌پذیری ملی (جهانی) اشاره نمود. چند دهه است که این شاخص به‌عنوان یکی از شاخص‌های رقابتی کشورها در عرصه بین‌المللی به‌ویژه با گرایش اقتصادی مطرح گردیده است و امروزه انتشار سالانه آن توسط مجمع جهانی اقتصاد^۱ به یک روال تبدیل شده است. شهرها نیز به عنوان پایه‌های استقرار حکومت‌ها، دارای پیشینه‌ای چندین هزار ساله هستند و کانون اصلی تعاملات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی در سرتاسر جهان می‌باشند. گسترش روزافزون این تعاملات به‌حدی است که، «توسعه شهر مدرن، روشی که انسان‌ها بدان طریق درباره دنیا احساس و فکر می‌کردند و روش‌هایی که با آن به تعامل می‌پرداختند را تغییر داده است» (گیدنز، ۲۰۰۹).

شهرها به‌دنبال یافتن جایگاهی مناسب برای خود در عرصه‌های ملی و فراملی، در بسیاری از زمینه‌ها به رقابتی گسترده دست زده‌اند، به نحوی که «امروزه رقابت بین شهرها به یک اقدام مشترک برای کسب منابع از بخش‌های خصوصی و عمومی تبدیل شده است. حتی تخصیص منابع به وسیله حکومت مرکزی، در برخی کشورها، بر مبنای رقابتی صورت می‌پذیرد...» (سرانو، ۲۰۰۳). برخی این رقابت را نه در میان شهرها، بلکه در میان مسئولان شهری می‌بینند (هریس، ۲۰۰۷، کرگمان، ۱۹۹۶) ولی بایستی خاطر نشان کرد که کارکرد شهر به‌عنوان یک سیستم بیش از کارکرد مسئولان محلی آن است و با مشاهده و بررسی شاخص‌های عملکردی رقابت شهری، مسئولان، ذینفعان و شهروندان به مقایسه میان شهرها در شبکه پیچیده شهری جهانی می‌پردازند. ساسن نیز «شهرهای جهانی^۲» را پیونددهنده اقتصادهای ملی با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی می‌داند و آنها را محیطی برای نوآوری در فعالیت‌های مبتنی بر اقتصاد پیشرفته خدماتی و صنعتی ذکر می‌کند. او «جهان‌شهرها^۳» را هدایت‌کننده و فرماندهی‌کننده اقتصاد جهانی معرفی می‌کند که نبض اقتصاد جهانی در آنها می‌تپد (صرافی و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین، از آنجایی که شهرهای جهانی به لحاظ جغرافیایی در قلمرو کشورهای مختلفی قرار دارند، وجود جریان‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، تجاری و مالی و... در میان این شهرها و دولت-ملت‌ها بر حوزه امور ملی اثر می‌گذارد (ساسن، ۱۳۸۹).

1. World Economic Forum (WEF)
2. World Cities
3. Global Cities

رقابت فضایی مداومی که بین شهرها برای سرمایه‌گذاری و جلب نخبگان و ... وجود دارد، موجب بازشکل‌دهی توزیع فضایی از منابع، نه فقط درون یک کشور، بلکه در سطح بین‌المللی شده است و سیاست‌های شهری ابزارهایی برای افزایش رقابت‌پذیری از طریق سرمایه‌گذاری و تولید شغل هستند (بگ، ۱۹۹۹). این پژوهش به منظور تبیین نمودن اهمیت رقابت‌پذیری شهری^۱ صورت پذیرفته است و در این راستا تلاش گردید تا با توجه به اهمیت ویژه‌ای که رقابت‌پذیری ملی^۲ در عرصه تعاملات بین‌المللی یافته است تأثیر آن بر رقابت‌پذیری ملی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بنابراین در طول مقاله با فرض آشنایی بیشتر خوانندگان با رقابت‌پذیری ملی، بیشتر بر مفاهیم رقابت‌پذیری شهری تکیه گردیده و مرور مختصری بر رقابت‌پذیری ملی خواهد گردید.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شهر یکی از چند مقیاس فضایی^۳ است که تولید فضا و مناسبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را می‌توان در آن مشاهده کرد (هاروی، ۱۳۸۷) و مورد بررسی قرار داد و به دلیل تجمع و تراکم بالای انسانی، نهادها و سازمان‌ها و ... جریان‌های اجتماعی، فرهنگی، مالی و سرمایه‌ای در آن به‌شدت وجود دارد. جمعیت بالا و متراکم‌تر شهرها نسبت به روستاها باعث تعاملات بسیار بیشتر و تبادل گسترده اطلاعات گردیده است و برای رفع مشکلات ناشی از فعالیت‌های شهری راه‌حل‌های متنوع و اختراعات متعددی ابداع گردیده است. شهر همچنین مرکز ارتباط با دیگر شهرها و به‌خصوص به واسطه مراودات بازرگانی بوده است و این ارتباطات نقش اصلی را در گسترش ابداعات و در نتیجه توسعه داشته است (بروک، ۱۳۸۹). بازار نیروی کار بزرگ شهرها تطابق بین مهارت نیروی کار و نیاز موسسه‌ها را مؤثرتر می‌سازد. تراکم جمعیتی آن نیز به‌اشتراک گذاشتن زیرساخت‌های عمومی و تسهیلات مورد نیاز تولید و ارائه خدمات را میسر می‌سازد. ساکنان شهرهای بزرگ با پس‌زمینه‌های مختلف گردهم آمده‌اند که فرصت‌های اجتماعی ناهمگون ایجاد می‌کند. در شهرهای بزرگ‌تر تنوع بیشتری از فعالیت‌ها و منافع اجتماعی عرضه می‌شود که اجازه می‌دهد تا ساکنان، از همه پس‌زمینه‌ها بتوانند چیز مورد علاقه‌ای را برای مشارکت در آن بیابند. شهرها بستری هستند که در آن‌ها، موسسه‌ها رقابت می‌کنند، و زمینی را فراهم می‌آورند که بر آن بازارها فعالیت می‌کنند (هریس، ۲۰۰۷).

1. City/Urban Competitiveness
2. National Competitiveness
3. Spatial Scale

چرخش در سیاست‌های دولتی، از دولت‌های رفاه به دولت‌های نئولیبرالی، گفتمان‌های توسعه اقتصاد شهری را در سرتاسر دنیا تحت‌الشعاع قرار داده است (شورت و کیم، ۱۳۸۴) و نواحی مادرشهری به عنوان موتور پویای رشد ملی کشورشان ظاهر شدند (این نواحی از تولید ناخالص ملی بالاتری نسبت به متوسط ملی‌شان برخوردار هستند) (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۶) و سیاست‌های شهری به‌سوی اشتغال‌زایی و بازسازی هسته اولیه شهرها کشانده شد. زیربنای این رویکرد جدید به سیاست‌گذاری شهری، در اطمینان به ظرفیت بخش خصوصی برای خلق شرایط موفقیت فردی و اجتماعی است (کاکرین، ۱۳۸۷). بدین ترتیب با الگوبرداری از رقابت‌پذیری اقتصادی شرکت‌ها، مفهوم رقابت‌پذیری در مقوله سیاست‌گذاری شهری نیز وارد شد. این الگوبرداری منجر به گذار از مدیریت‌گرایی شهری^۱ به کارآفرینی‌گرایی شهری^۲ و فاصله گرفتن از مدیریت شهری تحت نفوذ دولت به رقابت شهری برای موفقیت در عرصه‌ی اقتصادی منجر شده است (کاکرین، ۱۳۸۷، جزوپ، ۲۰۰۰، هاروی، ۱۹۸۹) و این امر نیازمند همکاری روزافزون بخش‌های عمومی و خصوصی برای تأمین منابع مورد نیاز برای رشد شهرها و کشورها است (مینا، ۲۰۱۰).

برپایه مباحث مطرح‌شده توسط پورتر در مورد مزیت رقابتی ملت‌ها (پورتر، ۱۹۹۰) و غلبه رویکرد نولیبیرالیسم در اقتصاد سیاسی، الگوبرداری جهت ترغیب رقابت در سطح شهری و آن هم نه صرفاً برای جلب کمک‌های مستقیم دولت مرکزی، بلکه در جذب سرمایه‌ها، نخبگان، نیروی کار ماهر و ... در سطح ملی و فراملی صورت پذیرفت (پورتر، ۱۹۹۵).

پس از ظهور دولت‌های نولیبیرال نیز پدیده جهانی‌شدن به‌صورت روزافزونی مرزهای بین کشورها را به حالتی مبهم و فازی درآورد (نی و هو، ۲۰۰۶). جهانی‌شدن، فرصت‌ها و تهدیدهای جدید و پویایی را برای امور اقتصادی، تبادل دانش، تعاملات فرهنگی، و گستره حکومتی ملت-دولت‌ها، ایجاد نمود. با جهانی‌شدن اقتصاد در دهه‌های گذشته شبکه‌ای رو به رشد از شهرهای جهانی بوجود آمده که بستری برای ایجاد فرایندها و افزایش ثروت اقتصادی ملی از طریق افزایش جریان سرمایه، تجارت و سرمایه‌گذاری را فراهم نموده است. فریدمن تقسیم‌کار بین‌المللی از طریق شهرهای جهانی را مطرح و شهرهای جهانی را مراکز کنترل برمی‌شمارد و بر این مبنا فهرستی از شهرهای جهانی بر مبنای یک سلسله مراتب را ارائه می‌کند (بیورستوک و همکاران، ۲۰۰۰).

فرایندهای جهانی‌شدن بر جریان‌های بزرگ تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری و سرمایه، انتقال فناوری‌ها، جابه‌جایی مردم و رقابت تأثیرگذار است. این رقابت در سطوح مختلف

1. Urban Managerialism

2. Urban Entrepreneurialism

سازمان‌ها، صنایع، سرزمین‌ها و ... صورت می‌پذیرد. در سطح سرزمینی نیز نگاه‌های مختلفی به رقابت‌پذیری در سطوح مختلف، مانند منطقه‌ای (نظیر کشورهای همجوار)، ملی، ناحیه‌ای و شهری وجود دارد. از جمله مهم‌ترین این رویکردها به رقابت‌پذیری، رقابت‌پذیری شهری است (کاستلز، ۱۹۸۹، پورتر، ۱۹۹۵، هال، ۲۰۰۳، سینکین، ۲۰۰۹). باز شدن درهای اقتصادهای ملی به بازارهای جهانی باعث شد تا شهرها نه تنها نقش رقیب را با دیگر شهرهای کشورشان بازی کنند بلکه این نقش را به صورت فراملی نیز ایفا کنند (هریس، ۲۰۰۷). بنابراین، نواحی شهری می‌بایستی توانمندی‌های بالقوه خود را به نحوی به کار گیرند که به تقویت موقعیت‌شان در رقابت با دیگر نواحی شهری بینجامد. در نتیجه، نیاز به رفتار رقابتی افزایش یافته است (کراتکه، ۲۰۱۴). این رفتار رقابتی نه تنها در سطح جهانی بلکه در سطح حکومت‌های ملی نیز مشاهده می‌شود، به نحوی که درجه‌بندی رقابت شهری یک راهنما برای متناسب کردن سیاست شهری ملی است و به خودی خود یک بعد مهم از سیاست اقتصاد کلان و دنبال کردن توسعه ملی تلقی می‌شود (هریس، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر این ایده که شهرها در عرصه‌های مختلفی و از جمله در عرصه اقتصادی به رقابت می‌پردازند در طی چند دهه گذشته از موضوعات مهم مدیریت شهری بوده است و در تبیین توسعه اجتماعی و اقتصادی شهری به‌طور فزاینده‌ای بر حکمرانی محلی تمرکز شده است (اسکولانگ، ۲۰۰۹). در این راستاست که مسئولان شهری، شهروندان و سایر ذینفعان به مقایسه شاخص‌های عملکردی برای شهر خودشان و دیگر شهرها می‌پردازند (هریس، ۲۰۰۷). «ریشه‌های نظری [رقابت‌پذیری] شهری را می‌توان در دو جنبه اصلی علم اقتصاد دنبال نمود: تجارت و رقابت. با این وجود، تئوری تأکید زیادی بر تحلیل کشورها در مقایسه با شهرها دارد ولی، در این اواخر علاقه اندیشمندان به سطح شهری انتقال یافته است، زیرا شهرها سرمایه‌هایی دارند که با سرمایه‌های کشورها متفاوت است» (سرانو، ۲۰۰۳). به این سبب است که از نظرگاه پورتر ریشه‌های مفهومی رقابت‌پذیری شهری در رقابت‌پذیری صنایع و شرکت‌ها نهفته است (پورتر، ۱۹۹۵). مفهوم رقابت‌پذیری سرزمینی^۱ ابتدا توسط پورتر (۱۹۹۰) در سطح ملت‌ها به کار گرفته شد و سپس به شهرها گسترش یافت (کرسل و سینگ، ۱۹۹۴، پورتر، ۱۹۹۵، کرسل، ۱۹۹۵). اما کروگمان (۱۹۹۶) مفهوم رقابت جهانی (بین کشورها) را مردود می‌شمرد و ایده مکمل بودن راهبردی اقتصادی را پیگیری می‌کند، به اعتقاد وی موفقیت منطقه‌ای و شهری حاصل صرفه‌های تجمعی^۲ و منافع ناشی از وابستگی به هم غیرقابل تجارت^۳ در مقیاس مکانی است. وی همچنین این چالش را مطرح نمود که شهرها با یکدیگر

1. Territorial Competitiveness
2. Agglomeration economies
3. Non-tradable interdependency

رقابت نمی‌کنند بلکه آن‌ها مکمل راهبردی اقتصادی یکدیگر هستند (همان). برخی دیگر از متفکران نیز معتقدند که گرچه شهرها مثل موسسه‌ها رقابت نمی‌کنند، اما برخی شهرها محیط بهتری نسبت به سایر شهرها برای کسب‌وکار موسسه‌ها فراهم می‌کنند (بادی و پارکینسون، ۲۰۰۴). بنابراین، این ایده که ساختن زیرساخت اقتصادی برای موفقیت اقتصادی، اصلی اساسی است، در میان گروه‌هایی که معتقد به سیاست رشد شهری - که به‌ویژه بخش‌های عمومی و خصوصی را متحد می‌کند - هستند، فراگیر است (دوئل و هوبارد، ۲۰۰۲).

اگرچه پورتر نیز از ایده رقابت شرکت‌ها برای توسعه این مفهوم در تعریف مزیت رقابتی ملی استفاده می‌کند، لیکن از یک خاستگاه تفکری متفاوت به این موضوع می‌پردازد. پیشنهاد رقابت‌پذیری سرزمینی ابتدا برای ملت‌ها به کار رفت (پورتر، ۱۹۹۰)، سپس در مورد شهرها گسترش یافت (پورتر، ۱۹۹۵). از نظر پورتر و همکارانش، شهرها و مناطق با یکدیگر رقابت می‌کنند، ولی نه به‌همان طریقی که بنگاه‌های تجاری برای حداکثرسازی سود رقابت می‌کنند، شهرها و مناطق از روش‌های پیچیده‌تری برای اهداف پیچیده‌تری نظیر سرمایه‌گذاری، جمعیت، نخبگان، تأمین مالی برای زیرساخت‌های عمومی و ... رقابت می‌کنند (پورتر، ۱۹۹۵). وی در ادامه کارهای خود به تفاوت رقابت‌پذیری سرزمینی با رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و شرکت‌ها می‌پردازد (پورتر، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶). سرانو به نقل از پورتر بیان می‌کند که رقابت‌پذیری سرزمینی می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از مزیت‌ها و معایب ذاتاً تاریخی هر مکان تلقی شود و به‌وسیله سیاست‌های محلی یا ملی به‌آهستگی تغییر کند (سرانو، ۲۰۰۳: ۱۰۴). براین مبنای برخی شهرها محیط مناسب‌تری برای کسب‌وکار موسسه‌ها فراهم می‌کنند (بادی و پارکینسون، ۲۰۰۴) و صرفه‌های تجمعی به‌وجودآمده از تمرکز در شهرها و مناطق شهری و منافع وابستگی به‌هم غیرقابل تجارت^۱ عامل موفقیت منطقه‌ای و شهری است (بادی، ۱۹۹۹). شهرها از پویایی بالایی در اقتصاد ملی برخوردار هستند. «در سطح حکومت ملی، "رقابت‌پذیری" شهری معنای یک جزء حیاتی در رقابت‌پذیری اقتصادی ملی می‌دهد. بنابر این درجه‌بندی رقابت‌پذیری شهری یک راهنما برای متناسب کردن سیاست شهری ملی است و به‌خودی‌خود، یک بعد مهم از سیاست اقتصاد کلان و پی‌گرفتن توسعه اقتصادی ملی است» (هریس، ۲۰۰۷). به همین دلیل است که شهرها می‌توانند به عنوان موتور محرک اقتصادهای ملی و حتی فراملی تلقی شوند و آن‌چنان که هریس می‌گوید (۲۰۰۷)، بستری هستند که در آن‌ها، موسسه‌ها رقابت می‌کنند، و زمینی را فراهم می‌آورند که بر آن بازارها فعالیت می‌کنند.

در بیشتر کشورها، عوامل ملی اهمیت قبلی‌شان را به دلیل تأثیر نیروهای جهانی از دست می‌دهند. آزادسازی تجارت، تمرکززدایی، ... ، باعث می‌شود تا مسئولیت بسیاری از عوامل مهم

1. Non-tradable interdependencies

رقابت بر سطوحی فراتر از سطح ملی نهاده شود (وبستر و مولر، ۲۰۰۰). این نقش در فراهم ساختن مدیریت زیرساخت، مدیریت پیوند شهر با جریان‌ها (پایانه‌های حمل‌ونقل، بازارهای مالی، فضای فرهنگی و ...)، تنظیم بخش‌های تخصصی شده (نواحی کسب‌وکار محلی)، ارتقاء برنامه‌ریزی، رهبری رفتار شهر به تغییرات ساختاری طولانی‌مدت و شوک‌های کوتاه‌مدت تجلی می‌یابد (هریس، ۲۰۰۷).

تراکم شهری تأثیر مثبتی بر توانایی‌های شهرها در ایجاد خلاقیت، یادگیری، و نوآوری به‌وسیله انعطاف‌پذیری فزاینده تولیدکنندگان و همچنین جریان‌های عظیم ایده و دانش که از طریق پیوندهای مبادلاتی که در درون شبکه‌های صنعتی صورت می‌پذیرد، دارد (اسکات و همکاران، ۱۹۹۹). به عنوان یک پیامد گرچه «پیشتر، درآمد سرانه بیشتر در حوزه شهری به عنوان یک شکست در سیاست‌های توزیع ملی و در ساختار دولت‌های رفاه تلقی می‌شد، اما امروزه این مسئله به عنوان نتیجه بهره‌وری بالاتر شناخته می‌شود: شدت سرمایه بیشتر، سطوح بالاتر سرمایه انسانی، و چگالی بیشتر زیرساخت‌ها ملازم و مقارن یکدیگرند» (هریس، ۲۰۰۷).

از دهه ۱۹۸۰ میلادی، سازمان‌های بین‌المللی مختلفی بر روی توسعه مفهوم رقابت‌پذیری سرزمینی پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به گزارش کمیسیون ریاست جمهوری ایالات متحده در زمان ریگان در خصوص تعریف رقابت‌پذیری ملی (کمیسیون رقابت‌پذیری رئیس‌جمهوری آمریکا، ۱۹۸۴) اشاره نمود. برخی مفاهیم، ویژگی‌ها یا تعاریف ارائه‌شده برای رقابت‌پذیری سرزمینی، ملی و شهری با توجه به آنکه این مفاهیم به‌صورت اساسی درباره رقابت‌پذیری اقتصادی است، و به‌وسیله موفقیت اقتصادی سنجیده می‌شود (پارکینسون و بادی، ۲۰۰۴، کرسل و سینگ، ۲۰۱۲) عبارتند از:

– «ما رقابت‌پذیری را به عنوان مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری ملی را تعریف می‌کند. سطح بهره‌وری ملی، سطح شکوفایی را که یک اقتصاد می‌تواند به آن دست یابد را تعیین می‌کند. سطح بهره‌وری همچنین نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد را مشخص می‌کند، که خود پیشران اصلی نرخ رشد آن است. به عبارت دیگر، یک اقتصاد رقابتی‌تر است که احتمالاً رشد سریع‌تری در طول زمان دارد» (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳).

– «رقابت منطقه‌ای پدیده‌ای است که بین واحدهای سرزمینی (دولت‌ها، مناطق یا شهرها) به منظور کسب بیشترین منافع (به‌ویژه اقتصادی و همچنین توسعه‌ای و اجتماعی) برای واحد سرزمینی برنده رخ می‌دهد» (کاپیتسینیس و متاکساس، ۲۰۱۳).

– رقابت شهری به توانایی یک ناحیه شهری برای تولید و بازاریابی یک مجموعه محصولات (کالاها و خدمات) اشاره دارد که نشانگر ارزش خوب (و نه لزوماً پایین‌ترین قیمت) در ارتباط با

محصولات قابل مقایسه با نواحی شهری دیگر است. محصولات غیرقابل تجارت، نظیر خدمات محلی، قسمتی از معادله رقابت هستند (ویستر و مولر، ۲۰۰۰).

- «توانایی ارتقاء پیوسته فضای کسب‌وکار، مبانی مهارتی، زیرساخت فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی به نحوی که موسسه‌ها سودآور و نوآور، با رشد بالا، نیروی کار کارآفرین، خلاق و تحصیل‌کرده را جذب کرده و حفظ کند، بنابراین به آن‌ها اجازه دهد تا به نرخ‌های بالایی از رشد، بهره‌وری، استخدام، دستمزد بالا، درآمد ناخالص سرانه بالا و سطح پائینی از نابرابری و محرومیت اجتماعی دست یابند» (سیمی و همکاران، ۲۰۰۶).

- «در فرایند رقابت و توسعه شهرها، رقابت‌پذیری شهری به مقایسه توانایی یک شهر در ارتقاء مزیت‌های اقتصادی بیرونی و کارآیی سازمانی درونی ... برای جذب و کنترل نمودن و تبدیل منابع و همچنین به‌کارگرفتن و غلبه بر بازار، و در نتیجه خلق ثروت بیشتر به روشی سریع‌تر و بهتر و فراهم نمودن رفاه کافی برای شهروندانش می‌پردازد» (نی، ۲۰۱۲).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این سنجش‌ها بیشتر بر فضای کسب‌وکار و خصوصیات نسبی آن تأکید می‌شود. در این مقاله از تعریف ارائه‌شده توسط نی (۲۰۱۲) برای رقابت‌پذیری شهری و از تعریف ارائه‌شده توسط مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۳) برای رقابت‌پذیری ملی بهره گرفته می‌شود.

۳. توسعه فرضیه‌ها و الگوی مفهومی

تعریفی که توسط نی برای رقابت‌پذیری ارائه شده است بر نسبی بودن این مفهوم، رشد و خلق ثروت بیشتر، بهره‌گیری از روش‌های مؤثرتر و رفاه شهروندان تأکید دارد (نی، ۲۰۱۲). با توجه به جهانی‌شدن اقتصاد، شهرها هم در کنار مشارکت با یکدیگر در تجارت جهانی و تقسیم کار به رقابت با یکدیگر در زمینه جذب نیروی کار، موسسه‌ها مهم تولیدی، خدماتی و مالی، و همچنین منابع مهم تولید و ارائه خدمات نیز می‌پردازند. علاوه بر این‌ها شهرها به بهبود عوامل محیطی، کاهش هزینه‌های تولیدی و نوآوری فناورانه به منظور ارتقاء عملکرد در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی موسسه‌ها مستقر در آن شهرها می‌پردازند. در این میان نیز، موسسه‌ها به حداکثرسازی سود و در نتیجه خلق ارزش و ساکنان، به حداکثر ساختن مطلوبیت و رفاه علاقمند هستند (نی، ۲۰۱۲).

یکی از جامع‌ترین گزارش‌هایی که تا کنون در ارتباط با تبیین رقابت‌پذیری شهری ارائه گردیده، گزارشی است که در پروژه رقابت‌پذیری شهری جهانی^۱ تهیه شده است. در گزارش‌های تهیه‌شده توسط این پروژه برای سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، اطلاعات جامعی

در خصوص ۵۰۰ شهر از سرتاسر دنیا، چگونگی تهیه این اطلاعات و پردازش آن‌ها فراهم گردیده است.

در این پروژه بر سه نوع مفهوم اصلی در رقابت‌پذیری شهری، تحت عناوین زیر تکیه شده است:

- درون‌داد رقابت‌پذیری شهری،

- فرایند رقابت‌پذیری شهری،

- برون‌داد رقابت‌پذیری شهری.

از منظر درون‌داد رقابت‌پذیری شهری، عوامل و محیطی که آن را می‌سازند، پیچیده و به هم مرتبط هستند. از این منظر: کیفیت بنگاهی، تأمین محلی، تقاضای محلی، ساختار درونی، ارتباط جهانی و نهادهای عمومی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (نی، ۲۰۱۲).

از نظر نی فرایندی که در آن درون‌دادهای شهری به برون‌داد تبدیل می‌شوند، عبارت است: «فرایندی که در آن موسسه‌ها به سازماندهی عوامل تولید تحت شرایط خاصی به منظور تولید کالاها و ارائه خدمات می‌پردازند، فرایند خلق ارزش است. یک شهر موسسه‌ها بسیاری در صنایع و زنجیره‌های صنعتی مختلف دارد، که سیستم صنعتی یکتای شهر را بنا می‌نهد. فرایند خلق و تحقق ارزش یک شهر در حقیقت فرایندی است که در آن همه موسسه‌ها در سیستم صنعتی شهر خلق ارزش می‌کنند (نی، ۲۰۱۲)

از نظر وی «رقابت‌پذیری جامع [هم‌چنین] به نوع صنایع یا موقعیت آن در زنجیره صنعتی بستگی دارد. اگر صنایع با ارزش افزوده بالا یا فرایند صنعتی با ارزش افزوده بالا سهم بیشتری را به خود تخصیص دهند، رشد یا تجمع سریعتری داشته باشند، احتمالاً شهر از رقابت‌پذیری جامع قوی‌تری برخوردار خواهد بود» (نی، ۲۰۱۲) در این حالت نوع صنایع بر رقابت‌پذیری شهری اثرگذار خواهد بود. به همین دلیل در این پروژه، ۱۹ صنعت مهم نظیر: هوافضا، نیمه‌هادی، ارتباطات، رسانه‌ها، مالی، بانکی، تجاری و ... انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای تعیین برون‌داد رقابت‌پذیری شهری، از نشانگرهای سهم بازار، چگالی اقتصادی، کارایی اقتصادی، نوآوری فناورانه، رشد اقتصادی، و توانایی تصمیم‌گیری و به این منظور به ترتیب از شاخص‌های تولید ناخالص داخلی شهر، تولید ناخالص داخلی شهر در کیلومتر مربع، تولید ناخالص داخلی سرانه شهر، تعداد درخواست ثبت اختراع، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی شهر، و شاخص بنگاه‌های چندملیتی استفاده می‌شود (نی، ۲۰۱۲).

از سوی دیگر تلاش‌های زیادی برای تبیین رقابت‌پذیری کشورها در سطح جهانی صورت پذیرفته است و تعاریف متفاوتی برای آن ارائه شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به

گزارش‌هایی که تحت عنوان رقابت‌پذیری جهانی توسط مجمع جهانی اقتصاد که با محوریت اقتصاد تدوین می‌شود، اشاره کرد. این مؤسسه شاخص رقابت‌پذیری جهانی را به ۳ زیرشاخص: الزام‌های اساسی^۱، بالابرنده‌های کارایی^۲، و عوامل پختگی و نوآوری^۳ تقسیم کرده است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳).

- زیرشاخص الزام‌های اساسی شامل: نشانگرهای نهادها، زیرساخت‌ها، محیط اقتصاد کلان، سلامتی و تحصیلات ابتدایی است.

- زیرشاخص بالابرنده‌های کارایی شامل: نشانگرهای آموزش و تحصیلات تکمیلی و عالی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار نیروی کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فناورانه، و اندازه بازار.

- زیرشاخص عوامل پختگی و نوآوری شامل: نشانگرهای پختگی کسب‌وکار، و نوآوری.

از آن جایی که شهرها یکی از بنیادی‌ترین نهادهای یک ملت-دولت را تشکیل می‌دهند، با توجه به مبانی و استدلال‌های عنوان‌شده برای هر یک از دو مفهوم فوق‌الذکر انتظار می‌رود که رقابت‌پذیری شهری بتواند بر رقابت‌پذیری ملی تأثیر مثبت و معناداری داشته باشد. بنابراین به دنبال اثبات فرضیه تأثیر رقابت‌پذیری شهری بر رقابت‌پذیری ملی کشورها در سطح جهانی هستیم.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش از منظر مبانی فلسفی در دسته پارادایم اثبات‌گرایی دسته‌بندی می‌شود و از حیث جهت‌گیری پژوهش، توسعه‌ای- کاربردی است. پژوهش به شیوه کمی انجام می‌شود و رویکرد آن قیاسی است. داده‌های پژوهش به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. در این پروژه از راهبرد همبستگی استفاده می‌شود و با توجه به نحوه جمع‌آوری داده‌ها، پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی-علی است. شیوه گردآوری داده‌ها در این پژوهش، بررسی و استفاده از اسناد و مدارک موسسه‌ها معتبر بین‌المللی و جهانی مرتبط است.

جامعه آماری کشورهای این مطالعه، شامل ۱۴۸ کشور در دنیاست که توسط مجمع جهانی اقتصاد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. این نهاد مطالعات گسترده‌ای را در ارتباط با رقابت‌پذیری جهانی اقتصادهای ملی به اجرا درآورده است و به انتشار آن‌ها در قالب گزارش‌های سالیانه می‌پردازد. این گزارش‌ها که از سال ۱۹۹۶ به صورت سالیانه و برای بسیاری از کشورهای جهان منتشر شده‌اند، توانسته است جایگاه ویژه‌ای برای سنجش رقابت‌پذیری اقتصادهای ملی و تغییرات آن در طی زمان بیابد.

1. Basic Requirements Sub-index
2. Efficiency Enhancers Sub-index
3. Innovation and Sophistication Factors Sub-index

شهرهای مورد نظر برای این مطالعه، از میان ۵۰۰ شهر از بیش از ۱۱۰ کشور در سرتاسر دنیا که در "پروژه رقابت‌پذیری جهان‌شهرها" مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند انتخاب شده‌اند (نی، ۲۰۱۲). این پروژه از سال ۲۰۰۴ آغاز شده است و جمعی از اندیشمندان صاحب‌نام این حوزه در این پروژه مشارکت دارند. در گزارش‌های تهیه‌شده توسط این پروژه برای سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، اطلاعات جامعی در خصوص چگونگی تهیه این اطلاعات و پردازش آن‌ها فراهم گردیده است.

از آنجایی که برای یافتن ارتباط بین رقابت‌پذیری شهری و ملی نیازمند اطلاعات مرتبط با رقابت‌پذیری در مورد شهرها و کشورهای متبوع آن‌ها هستیم، لذا تعداد کشورها به ۱۰۷ کشور از سرتاسر دنیا و تعداد شهرها به ۴۸۱ شهر کاهش یافت (نمونه‌برداری پژوهش نیز هدفمند و از نوع قضاوتی است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۷). این تعداد کشور به لحاظ کفایت نمونه‌ها با توجه به جدول کرجسی و مورگان (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۷) از کفایت لازم برخوردار است.

۵. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در این مقاله بررسی‌های جامع ارائه شده در مورد رقابت‌پذیری شهری توسط پروژه رقابت‌پذیری شهری جهانی (نی و کرسل، ۲۰۱۱، نی، ۲۰۱۲)، و رتبه‌بندی ارائه‌شده توسط مجمع جهانی اقتصاد (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳) در مورد رقابت‌پذیری اقتصادهای ملی (کشورها)، داده‌های مورد استفاده برای تبیین وجود ارتباط میان این دو مفهوم را فراهم می‌سازند. لازم به ذکر است، به منظور اجتناب از طولانی‌شدن مقاله، از ارائه دوباره اطلاعات ذکرشده در مراجع فوق خودداری شده است و در صورت نیاز می‌توان به متون اصلی رجوع نمود.

از آنجایی که برای ارزیابی ارتباط بین رقابت‌پذیری شهری و کشوری نیازمند برقراری رابطه‌ای یک‌به‌یک می‌باشیم و در گزارش کرسل و نی در بسیاری از موارد، شهرهای متعددی از یک کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند، این امر با توجه به آن که رقابت‌پذیری ملی این‌گونه شهرها یکسان است، باعث می‌شود تا در محاسبات مربوطه اختلال مشاهده شود. لذا برای رفع این مشکل از دو راهکار ساده استفاده شده است:

– استفاده از میانگین حسابی رقابت‌پذیری شهری شهرهای یک کشور (ارائه شده در گزارش (نی) به عنوان امتیاز رقابت‌پذیری شهری آن کشور برای سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که در ادامه "میانگین رقابت‌پذیری شهری" نامیده می‌شود،

- استفاده از بالاترین رتبه رقابت‌پذیری شهری هر کشور (ارائه شده در گزارش نی) به عنوان امتیاز رقابت‌پذیری شهری آن کشور برای سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که در ادامه "حداکثر رقابت‌پذیری شهری" نامیده می‌شود.

در این مقاله به منظور بررسی ارتباط بین رقابت‌پذیری شهری و کشوری از تحلیل رگرسیون خطی استفاده می‌شود. نتایج تحلیل برای ۸ حالت بیان شده در جدول ۱ ارائه شده است. به منظور اجتناب از تطویل مقاله، نتایج تحلیل داده‌ها برای حالت‌های فوق به اختصار در جدول ۲ ارائه می‌شود.

جدول ۱. متغیرهای مستقل و وابسته

حالت	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۱	حداکثر رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۰	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۳-۲۰۱۴
۲	حداکثر رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۱	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۳-۲۰۱۴
۳	میانگین رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۰	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۳-۲۰۱۴
۴	میانگین رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۱	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۳-۲۰۱۴
۵	حداکثر رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۰	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۲-۲۰۱۳
۶	حداکثر رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۱	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۲-۲۰۱۳
۷	میانگین رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۰	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۲-۲۰۱۳
۸	میانگین رقابت‌پذیری شهری سال ۲۰۱۱	رقابت‌پذیری کشوری ۲۰۱۲-۲۰۱۳

جدول ۲. جدول تحلیل داده‌ها

حالت	R	R ²	R ² تطبیق یافته	F	Sig.	ضریب رگرسیون	ثابت رگرسیون
اول	۰/۸۱۷	۰/۶۶۷	۰/۶۶۴	۲۱۰/۷۴۸	۰/۰۰۰	۳/۸۲۷	۲/۵۹
دوم	۰/۸۲۲	۰/۶۷۵	۰/۶۷۲	۲۱۸/۲۴۲	۰/۰۰۰	۳/۵۵۷	۲/۶۲۰
سوم	۰/۸۱۴	۰/۶۶۳	۰/۶۵۹	۲۰۶/۲۵۷	۰/۰۰۰	۵/۷۲۷	۱/۹۷۰
چهارم	۰/۸۱۷	۰/۶۶۷	۰/۶۶۴	۲۱۰/۲۵۰	۰/۰۰۰	۵/۱۷۹	۲/۰۷۱
پنجم	۰/۸۱۵	۰/۶۶۴	۰/۶۶۱	۲۰۵/۹۶۴	۰/۰۰۰	۳/۸۸۲	۲/۵۸۷
ششم	۰/۸۲۰	۰/۶۷۲	۰/۶۶۹	۲۱۳/۵۵۰	۰/۰۰۰	۳/۶۰۸	۲/۶۱۳
هفتم	۰/۸۱۴	۰/۶۶۲	۰/۶۵۹	۲۰۳/۹۵۲	۰/۰۰۰	۵/۸۲۸	۱/۹۴۵
هشتم	۰/۸۱۷	۰/۶۶۷	۰/۶۶۴	۲۰۸/۱۱۴	۰/۰۰۰	۵/۲۶۸	۲/۰۵۰

به عنوان نمونه حالت اول توضیح داده می‌شود. براساس جدول ۲ مقدار ضریب تعیین بین متغیر مستقل و متغیر وابسته ۰/۶۶۷ است. همچنین مطابق جدول ۳ و با توجه به مقدار F که معنی‌دار شده است می‌توان به نتایج رگرسیون اعتماد کرد و مقدار محاسبه‌شده را استخراج نمود. در صورتی که مقدار F معنادار نبود، یعنی مقدار sig. (ستون آخر) بزرگتر از ۰/۰۵ بود، در

آن صورت نتایج رگرسیون قابل استفاده نبود، به عبارت دیگر فرض صفری که مقدار رگرسیون را برابر صفر قرار می‌دهد رد شده و فرض مقابل که معناداری رگرسیون را نشان پذیرفته می‌شود. براساس جدول ۴، ضریب رگرسیون بین متغیر مستقل و متغیر وابسته ۳/۸۲۷، مقدار ثابت رگرسیون ۲/۵۹ و مقدار T محاسبه شده معنادار است. بنابراین مقدار تأثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته در سطح ۰/۹۹ تأیید می‌شود. با مشاهده تحلیل آماری ارائه شده در جدول ۲، تأثیر رقابت‌پذیری شهری در همه حالت‌های هشت‌گانه عنوان شده تأیید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رقابت‌پذیری ملی (جهانی) از جمله مقولاتی است که امروزه در محافل علمی-دانشگاهی، اقتصادی، تجاری و حتی سیاسی جایگاه خاص خود را به عنوان یک شاخص معتبر بین‌المللی در ارزیابی کشورها (به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی) یافته است و هر ساله مجمع جهانی اقتصاد نسبت به ارائه گزارش‌هایی در این خصوص و مقایسه و رتبه‌بندی کشورها با بهره‌گیری از معیارهای خاص می‌پردازد.

چند دهه است که رقابت‌پذیری شهری نیز در کنار بسیاری از مفاهیم متداول به عنوان یک شاخص برای ارزیابی شهرها در عرصه‌های مختلف و از جمله در عرصه‌های اقتصادی، مطرح گشته و مورد بررسی و تحلیل اندیشمندان قرار می‌گیرد. هرچند هنوز یک اجماع جهانی برای تعیین نشانگرها و سنجه‌های آن وجود ندارد، اما برخی از نهادهای دانشگاهی و بین‌المللی با معرفی نشانگرهای مدنظر خود ارائه رتبه‌بندی شهرها می‌پردازند.

این موضوع که آیا شهرها نقشی در رقابت‌پذیری ملی ایفا می‌کنند از جمله دغدغه‌های نویسندگان مقاله بوده است. به دنبال آن، معرفی شاخص رقابت‌پذیری و تأثیر آن بر رقابت‌پذیری ملی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. علاوه بر آن که در قسمت ادبیات پژوهش سعی گردید تا ارتباطی منطقی بین این دو شاخص برقرار شود، در مطالعه کمی نیز با بهره‌گیری از اطلاعات عرضه شده توسط مجمع جهانی اقتصاد (برای سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴) و پروژه رقابت‌پذیری شهرهای جهانی (برای سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱) ارتباط معنادار بین دو شاخص در حالت‌های ارائه شده تأیید گردید. در تمامی حالت‌ها، مقدار F معنادار بوده و مقدار Sig. کمتر از ۰/۰۵ است. بر اساس جداول خلاصه تحلیل رگرسیون چندگانه نیز مقدار T محاسبه شده معنادار است. بنابراین مقدار تأثیرگذاری متغیر مستقل (رقابت‌پذیری شهری) بر متغیر وابسته (رقابت‌پذیری ملی) در سطح ۰/۹۹ تأیید گردید. در همه حالت‌ها، نتایج حاکی از آن بود که رگرسیون معنادار است. بنابراین متغیر وابسته (رقابت‌پذیری ملی) تا حد

زیادی توسط متغیر مستقل (رقابت‌پذیری شهری) تبیین می‌شود. لذا مباحث ارائه شده در ابتدای مقاله که به دنبال یافتن معناداری تأثیر رقابت‌پذیری شهری بر رقابت‌پذیری ملی (کشوری) است به صورت کمی و در حالت‌های مذکور مورد تأیید قرار گرفت.

به منظور تعمیم نتایج، پیشنهاد می‌شود تا بررسی‌های وسیع‌تری که دربرگیرنده طیف وسیع‌تری از شهرها و کشورهای بیشتری باشد و دوره‌های زمانی طولانی‌تری را دربرگیرد، صورت پذیرد. همچنین تلاش برای دستیابی به نشانگرهای جامعی که بتواند شاخص‌های رقابت‌پذیری ملی و شهری را با یک توافق گسترده تبیین کند، مطلوب خواهد بود.

آنچه که به عنوان یک دستاورد عملی از این پژوهش قابل استنتاج است آن است که، نقش رقابت‌پذیری شهری در رقابت‌پذیری ملی به‌وضوح مشاهده می‌شود. لذا مسئولان محلی می‌توانند با اتخاذ سیاست‌هایی که به ارتقاء رقابت‌پذیری شهری منجر شود، به مسئولان و مدیران ملی در ارتقاء رقابت‌پذیری ملی کمک نمایند. همچنین مدیران ملی نیز می‌توانند با اتخاذ خط‌مشی‌های عمومی مناسب که به ارتقاء رقابت‌پذیری شهری منجر شود، به ارتقاء رقابت‌پذیری ملی کمک کنند.

منابع

۱. بروک، پ. (۱۳۸۹). *از اریحا تا مکزیکو (شهر و اقتصاد در تاریخ)* (ترجمه جمشید برومند). تهران: انتشارات کندوکاو.
۲. دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی، آذر، عادل (۱۳۸۷). *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: انتشارات صفار-اشراقی.
۳. ساسن، س. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی جهانی‌شدن* (ترجمه مسعود کرباسیان). تهران: نشر چشمه.
۴. شورت، ج. ر.، کیم، ی. ه. (۱۳۸۴). *جهانی‌شدن و شهر* (ترجمه پانته‌آ لطفی کاظمی). تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۵. صراف، مظفر، قورچی، مرتضی، محمدی، علیرضا (۱۳۸۴). *جهانی‌شدن، شهرهای جهانی و کلان‌شهر تهران. فصلنامه اقتصاد شهر، شماره اول، ۸۹-۹۷*.
۶. کاکرین، آ. (۱۳۸۷). *سیاست‌های شهری* (ترجمه عارف اقوامی مقدم) تهران: انتشارات آذرخش.
۷. هاروی، د. (۱۳۸۷). *شهری‌شدن سرمایه* (ترجمه عارف اقوامی مقدم) تهران: نشر اختران.
8. Beaverstock, J.V., Smith, R.G., & Taylor, P. J. (2000). World-City Network: A New Metageography?. *Annals of Association of American Geography*, 90(1), 123-134.
9. Begg, I. (1999). Cities and Competitiveness, *Urban Studies*. 36(5/6), 795-809.
10. Castells, M., (1989). *The Informational City; Information Technology, Economic Restructuring, and the Urban-Regional Process*, Oxford/Malden, MA: Blackwell.
11. Doel, M.A., & Hubbard, P.J. (2002). Taking World Cities Literally: Marketing the City in a Global Space of Flows. *City*, 6(3). 351-368. Retrieved from www.lboro.com/gawc/rb/rb81.html.
12. Esko Lange, F. (2009). *Urban Governance, An Essential Determinant of City Development*. World Vision Institute for Research and Development, Bonn: University of Bonn.
13. Giddens, A. (2009). *Sociology*, Cambridge, Polity.
14. Hall, P. (2003). Growing the European Urban System. London: Institute of Community Studies. Working Paper. No. 3. Retrieved from <http://youngfoundation.org/wp-content/uploads/2013/04/Growing-the-EuropeanUrban-System-July-2003.pdf>.
15. Harris, N. (2007). City Competitiveness, World Bank study of competitiveness in four Latin American cities. Retrieved from http://meta-interlab.org/open-pdf/publications/Nigel%20Harris_City_Competitiveness_2007.pdf.
16. Harvey, D. (1989). From Managerialism to Entrepreneurialism: The Transformation in Urban Governance in Late Capitalism, *Geografiska Annaler, Series B, Human Geography*, 71(1).3-17.
17. Kapitsinis, N., & Metaxas, T. (2013). Territorial Competition: Theories, arguments, policies and lessons of the last 25 years. Retrieved from <http://www-sre.wu.ac.at/ersa/ersaconfs/ersa12/e120821aFinal00949.pdf>.
18. Kratke, S. (2014). How Manufacturing Industries Connect Cities across the World Extending Research on 'Multiple Globalization'. *Global Networks*. 13(2).

- 121-147. DOI: 10.1111/glob.12036. Retrieved from www.lboro.com/gawc/rb/rb391.html.
19. Kresl, P. (1995). The determinants of urban competitiveness a survey. In P. Kresl, & G. Gappert (Eds.). *North American cities and the global economy*. (pp. 45-68). Beverly Hills: Sage.
20. Kresl, P. K., & Singh, B. (1994). The Competitiveness of Cities: the United States. In OECD (Ed.). *Cities and the New Global Economy*. (pp. 424-446). Melbourne: The Government of Australia and the OECD.
21. Kresl, P., & Singh, B. (2012). Urban Competitiveness and US Metropolitan Centers. *Urban Studies*, 49(2), 239-254.
22. Krugman, P. (1996). Making Sense of the Competitiveness Debate. *Oxford Review of Economic Policy*, 12(3), 17-25.
23. Monti, D. (2005). City, In R. W. Caves (Ed.). *Encyclopedia of City* (pp. 66-69). London: Routledge.
24. Ni, P. (2012). *Global Urban Competitiveness Report-2012*, Cheltenham/Northampton: Edward Elgar Publishing.
25. Ni, P., & Hou, Q., (2006). Comparative Research on the Global Urban Competitiveness. Retrieved from www.stats.gov.cn/english/specialtopics/.../Concurrent_Session_30b.p.
26. Ni, P., & Kresl, P. K. (2011). *Global Urban Competitiveness Report-2011*, Cheltenham/ Northampton: Edward Elgar Publishing.
27. Organisation for Economic Co-operation and Development (2006). *Competitive Cities in the Global Economy*. Paris: OECD Publishing.
28. Parkinson, M., & Boddy, M. (2004). Introduction. In M. Boddy, and M. Parkinson (Eds.). *City Matters: Competitiveness, Cohesion and Urban Governance*. (pp. 1-12). Bristol: Policy Press.
29. Porter, M. (1990). The Competitive Advantage of Nations. *Harvard Business Review*, 68(2), 73-93.
30. Porter, M. (1995). The competitive Advantage of the Inner Cities. *Harvard Business Review*, 73(3). 55-71.
31. Porter, M. (1996). What is strategy?. *Harvard Business Review*, 74(6), 61-78.
32. President's Commission on Competitiveness (1984). *The Report of the President's Commission on Competitiveness*. Written for the Reagan administration.
33. Scott, A., J., Agnew, J., Soja, E. W., & Storper, M. (1999). Global City-Regions: An Overview. Retrieved from <http://www.lse.ac.uk/geographyAndEnvironment/whosWho/profiles/Michael%20Storper/pdf/GlobalCityRegions.pdf>.
34. Serrano, F.A. (2003). *City Competitiveness and Attractiveness: A New Approach to Evaluate Economic Development in Mexican Cities*. (Doctoral dissertation). University of Glasgow, United Kingdom. Retrieved from http://theses.gla.ac.uk/982/1/2003_serranophd.pdf
35. Simmie, J., Carpenter, J., Chadwick, A., Martin, R., & Wood, P. (2006). *State of the English Cities*. London, Department for Communities and Local Government.
36. Sinkiene, J. (2009). Competitiveness Factors of Cities in Lithuania. *VIEŠOJI POLITIKA IR ADMINISTRAVIMAS*, 29, 47-53.

37. Storper, M. (1997). *The Regional World: Territorial Development in a Global Economy*. New York: Guilford Press.
38. Webster, D., & Muller, L. (2000). Urban Competitiveness Assessment in Developing Country Urban Regions: the Road Forward. Paper prepared for Urban Group, Washington DC, USA, 17 July (47 pp).
39. World Economic Forum (2013). *The Global Competitiveness Report 2013-2014*. Geneva: world Economic Forum.